

قرآن و تمدن‌های بشری؛ بررسی تمدن‌ها از منظر قرآن^۱

----- سیدمحسن شریفی^۲ و غلامحسن محرمی^۳

تمدن از واژه مدینه به معنای شهر اقتباس شده (ر.ک: سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۲۵) که معادل عربی آن «الحضارة» به معنای حضور و تجمع (عاشور، ۱۴۰۶، ص ۶) و معادل لاتین آن Civilization (عاشور، ۱۴۰۶، ص ۶) برگرفته از Civiliz (خاکرند، ۱۳۹۰، ص ۵۱) به معنای «شهروندی» است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۸).

برای تمدن تعریف فراگیری گزارش نشده و طی مدت استفاده از این اصطلاح از دو قرن پیش تاکنون (والرشتاین، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲) معنای آن تغییر کرده است (ریوز، ۱۳۸۷، ص ۱۸)؛ گاه آن را در برابر مفهوم بربریت به کار برده‌اند (والرشتاین، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲) و گاه به معنای گونه‌ای از تجمع و حیات مشترک جمعی، که هریک، بارِ مفهومی خود را دارد. این برداشت‌ها، حرکت تمدن‌ها در مسیری مشخص و معین را نمی‌پذیرند و حرکت چندسویه تمدن‌ها را تأیید می‌کنند (سوروکین، ۱۳۷۷، ص ۸۰-۸۱). در تعریفی دیگر تمدن را گسترده‌ترین واحد مستقل فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی افراد ذکر کرده‌اند (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۶۳).

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.

۲. هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه قم؛ (Mohsen.sharifi@qom.ac.ir).

۳. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، گروه پیشرفت و تمدن، قم؛ (moharraami47@.Gmail).

در منابع کهن این اصطلاح به چشم نمی‌خورد و فقط در برخی منابع، تمدن را اجتماع و مدینه را مکان آن اجتماع گفته‌اند (خواجه نصیر طوسی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۰؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۰؛ لاهیجی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰). برخی نیز تمدن را به معنای پیشروی و ترقی در علوم و معارف و صنایع و نظامات (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۰) یا تربیت‌یافتگی و قرارگرفتن در مرحله کامل تربیت اجتماعی (پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۳۵۷) دانسته‌اند. واژه «الحضاره» در کتاب ابن خلدون، به معنای شهرنشینی همراه با ترقی و رشد، بارها به کار رفته است (۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳، ۳۶۹، ۴۴۶)، اما پس از ابن خلدون تا دوره معاصر، واژه مزبور به معنای تمدن و ترقی و تکامل به کار نرفته است.

اصطلاح تمدن از قرن هجده میلادی در غرب شکل گرفته و گسترش یافته است و دوران آن را به معنای نظام‌یافتن اجتماع انسانی دانسته است (۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳). البته تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده است. در واقع شهرنشینی معلول تمدن و نه علت آن است. بر این اساس، شهر جزو تمدن است، نه اینکه شهرنشینی، تمدن را پدید آورده باشد (برنال، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶). ابن خلدون مفهومی از عمران و حضاره ارائه می‌کند (۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۶، ۴۹، ۴۶۵) که مترادف با مفهوم تمدن به معنای امروزی، یعنی نوعی حالت اجتماعی انسان است (همان، ص ۵۳-۵۴).

در این مقاله مقصود از تمدن، هرگونه دستاورد یا پیشرفتی است که در جوامع بشری رخ داده و در قرآن به گونه‌ای از آن یاد شده است.

واژه تمدن در قرآن به کار نرفته است، اما مفهوم تمدن و واژه‌های مترادف یا مرتبط با آن همچون مدینه (اعراف: ۱۲۳؛ توبه: ۱۰۱، ۱۲۰؛ یوسف: ۳۰؛ حجر: ۶۷؛ کهف: ۱۹، ۸۲؛ نمل: ۴۸؛ قصص: ۱۵، ۱۸، ۲۰؛ احزاب: ۶۰؛ یس: ۲۰؛ منافقون: ۸)، مدائن (اعراف: ۱۱۱؛ شعراء: ۳۶، ۵۳) و قریه (بقره: ۲۵۹؛ اعراف: ۴؛ یونس: ۹۸؛ نحل: ۱۱۲؛ اسراء: ۱۶ و...) در قرآن آمده است. عناصر و مظاهر تمدن (اعراف: ۷۴؛ کهف: ۹۶-۹۷؛ نمل: ۴۴؛ سبأ: ۱۲-۱۶؛ زمر: ۹) و لزوم سیر در زمین برای عبرت‌گیری (انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹) نیز در قرآن آمده است. در قرآن از این تمدن‌ها یاد شده است: تمدن بابل (بقره: ۱۰۲؛ نحل: ۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۴۹-۵۵۰) و حضور حضرت ابراهیم علیه السلام در این شهر (عنکبوت: ۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۲۲)،

تمدن مصر در دوره فرعونیان (دخان: ۲۵-۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۴۰؛ زخرف: ۵۱؛ یونس: ۸۸) و آبادانی آن در زمان حضرت یوسف علیه السلام (یوسف: ۵۵-۵۶)، تمدن ذوالقرنین (کهف: ۸۴، ۹۷-۹۴)، تمدن قوم عاد (فجر: ۷-۸؛ نیز شعراء: ۱۲۹؛ احقاف: ۲۴؛ حاقه: ۷)، تمدن قوم ثمود (اعراف: ۷۴؛ حجر: ۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۲۹؛ شمس: ۱۱-۱۴)، تمدن بنی اسرائیل (فلسطین) (بقره: ۲۵۱؛ نساء: ۱۶۳؛ مؤمنون، ۵۰؛ نمل: ۱۵-۴۴؛ عنکبوت: ۲۴؛ سبأ: ۱۲-۱۳؛ ص: ۲۰؛ ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۴۰)، تمدن یمن و سبأ (سبأ: ۱۵؛ نیز نمل: ۲۳)، و تمدن روم (روم: ۲-۳؛ یس: ۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۷۵). نقش پیامبران در تمدن‌ها نیز بخشی از مباحث مرتبط با تمدن در قرآن است (بقره: ۳۱، ۱۵۱؛ اعراف: ۲۵؛ ابراهیم: ۳۲؛ مؤمنون: ۲۷؛ سبأ: ۱۰-۱۳؛ فاطر: ۲۴؛ حدید: ۲۵).

در آیات متعددی به تفاوت بنیان تمدن‌ها بر اساس شاخصه‌هایی مانند ایمان و ولایت الهی (بقره: ۲۵۷) و همچنین به هویت جمعی، تحت عناوینی مانند امت و اخوه توجه شده (بقره: ۱۲۸؛ آل عمران: ۱۱۰؛ حجرات: ۱۰) و تفاوت‌های زیستی در تمدن‌ها برجسته شده است (آل عمران: ۱۶۴؛ هود: ۷؛ نجم: ۲۹-۳۰). با اینکه اصطلاح تمدن در قرآن به کار نرفته است، مؤلفه‌ها و محتوای موضوعات و مسائل تمدنی در آیات به وضوح وجود دارد (مقاله قرآن و تمدن). در مباحث حکمت عملی، از تمدن به صورت پراکنده سخن گفته شده است (خواججه نصیر طوسی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۰؛ تقنازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۰؛ لاهیجی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰). در منابع قدیم نمی‌توان به پیشینه تحقیق تمدن دست یافت، ولی در دوران جدید درباره تمدن و مفاهیم مرتبط با آن تحقیقات بسیاری انجام داده‌اند. در باب تمدن از نگاه قرآن نیز آثار مستقلی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: الحضارة فی القرآن الکریم، اثر محمد کامل حسن محامی؛ مقدمات حضارة الاسلام، اثر مصطفی سباعی؛ ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، اثر علی کرمی؛ علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، اثر احمد علی قانع عزآبادی؛ و نقش پیامبران در تمدن انسان، اثر فخرالدین حجازی. مقالاتی نیز در این باره تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به مقاله «تمدن» در دائرةالمعارف قرآن کریم (ر.ک: ملک محمدی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۶۲۷-۶۴۲)، مقاله «تمدن‌های بشری از منظر قرآن کریم» اثر علی ذاکری و مقاله «نقش انبیا در پیشرفت تمدن بشری» اثر غلامحسن محرمی اشاره کرد. مقاله «کارکرد

تمدنی قرآن» از محسن الویری نیز به پاره‌ای زوایای اثرگذاری قرآن بر تمدن اسلامی و اجزا و مظاهر تمدن اسلامی پرداخته است. در دائرةالمعارف قرآن لایدن و دائرةالمعارف قرآن راتلج مقاله‌ای با عنوان «تمدن» به چشم نمی‌خورد، ولی در مقاله‌های «قرآن: منشأ، ساختار و تأثیرات قرآن» (See: Gökkir, 2006,) (pp474-478) و «قرآن و حوادث تاریخی» (See: Chande, 2006, pp264-268) از دائرةالمعارف قرآن راتلج و نیز مقالات «اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن» (See: Neuwirth, 2006, vol3, pp477-) (497)، «تاریخ و قرآن» (See: Rosenthal, 2006, vol2, pp428-442) و «گاه‌شماری و قرآن» (See: Böwering, 2006, vol1, pp316-335) از دائرةالمعارف قرآن لایدن به برخی شخصیت‌ها و اقوام دارای تمدن، اشاره شده است.

عناصر تمدن

به نظر برخی اندیشمندان علوم اجتماعی، هر تمدن، از مؤلفه‌هایی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تشکیل می‌شود که شامل مجموع عناصر اقتصادی، قضایی، فرهنگی و مذهبی است و در سامانه‌ای منسجم در جامعه‌ای خاص تحقق می‌یابد (ر.ک: دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳؛ بیرو، ۱۳۷۵، ص ۴۷).

علم یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده تمدن است که قرآن نیز بر آن بسیار تأکید کرده است «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) و علم و حکمت را خیر کثیر دانسته است «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره: ۲۶۹). قرآن، علم را سرچشمه قدرت «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (نجم، ۵؛ طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۲۲) و از عوامل قدرت «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ» (نمل، ۴۰؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۶۴) معرفی کرده است. پیشرفت‌های مادی و جمع‌آوری ثروت و قدرت نیز ناشی از علم دانش است. قرآن از زبان قارون می‌گوید ثروت را به وسیله دانشی که داشته است، به دست آورده است «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عُنْدِي» (قصص: ۷۸). به فرموده امام صادق علیه السلام قارون علم کیمیا داشت و ثروت او نتیجه دسترسش به این دانش بود (بروجری، ۵، ص ۱۹۴). علم، به انبیای الهی، از جمله آدم علیه السلام «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱) و داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا» (نمل: ۱۵) نیز اعطا شده بود تا آنچه را انسان بدان نیاز دارد، به او بیاموزند «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۱۶۴؛ نیز ر.ک: بقره: ۱۵۱؛ آل عمران: ۴۸؛ نساء: ۵۴؛ مائده: ۱۱۰؛ جمعه: ۲).

همچنین قرآن از مؤمنانی یاد کرده است که به واسطه علم، به درجه‌های والا دست می‌یابند «يُرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱).

از دیگر عناصر و مظاهر تمدنی که در قرآن آمده است، عبارت‌اند از: هنر و فنون ظریف و پیچیده مانند قصر شیشه‌ای سلیمان عليه السلام که از شدت درخشندگی همچون آب بود «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ» (نمل: ۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۵۱)، صنعت ذوب فلزات و ساختن سد در برابر قوم یاجوج و ماجوج که در داستان ذوالقرنین آمده است «أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا * فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نُقْبًا» (كهف: ۹۶-۹۷؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱)، عمران و آبادی و ساختن قصرها و خانه‌های مجلل به دست قوم ثمود «وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا» (اعراف: ۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۳۷)، معماری و ساختن سازه‌های استوار و محکم (سبأ: ۱۲-۱۳) شامل معابد عالی و نقوش و تمثال‌ها و ظروف بزرگ برای حضرت سلیمان عليه السلام «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ» (سبأ: ۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۴۳)، ایجاد باغ‌های بزرگ و آباد که بر اثر سدسازی پدید آمده بود و قرآن از نابودی آنها خبر داده است (سبأ: ۱۵-۱۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۰۵).

لباس و پوشش را از عناصر تمدن‌های مختلف (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۰۷، ۹۱۷-۹۱۸) و مایه عینیت یافتن تمدن دانسته‌اند (ر.ک: اسلامی فرد، ۱۳۹۴، ص ۱۹؛ جان‌احمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۵). قرآن نیز به این عنصر تمدنی توجه کرده است «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا» (اعراف: ۲۶). «ریشاً» به معنای مایه زینت و جمال است (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۰۳؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۷۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۶۸). ساخت کشتی و حرکت در دریا نیز یکی از عناصر پیشرفت تمدنی است (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۶). بر این اساس گزارش قرآن از حرکت در دریا «وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ» (ابراهیم: ۳۲) و کشتی ساختن حضرت نوح عليه السلام (هود، ۳۷-۳۸) که در کتب آسمانی دیگر نیز آمده است (کتاب

مقدس، پیدایش، ج ۶، ص ۱۴-۱۶؛ متی، ج ۲۴، ص ۳۸) یادکردی از عناصر تمدنی شمرده می‌شود. همچنین قوانین عقلانی و دینی یکی از عناصر تمدنی است که زندگی بشری را سامان دهد و موجب هدایت جامعه به سوی تمدن و شکوفایی می‌شود (ر.ک: دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۳-۳۵؛ ولایتی، ۱۳۸۴، ص ۲۱؛ جان‌احمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). قرآن این قوانین را عاملی برای رشد و شکوفایی تمدن بشری دانسته و از حکومت قانون و دولت قدرتمند یاد کرده است (ر.ک: یوسف: ۲۷-۲۵؛ کهف: ۸۶-۸۸؛ نمل: ۲۱؛ ص: ۲۲-۲۴، ۲۶).

قرآن و معرفی تمدن‌ها

قرآن به مطالعه درباره اقوام و ملل و زمان گذشته بسیار توصیه کرده است «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲). این دستور الهی تمدن‌ها را نیز در برمی‌گیرد و مقصود از آن عبرت‌گیری از گذشتگان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۳۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۴۸۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۸۷). قرآن به تمدن‌های پیشین با دید انتقادی-اصلاحی و عبرت‌آموزی می‌نگرد و از مؤمنان می‌خواهد از سرنوشت اقوامی که از تمدن و رفاه برخوردار بودند اما به خداوند کافر شدند، عبرت بگیرند «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام: ۱۱؛ نیز آل‌عمران: ۱۳۷). قرآن در پی بازگویی تمام تاریخ نبوده و به همین سبب از هیچ تمدنی نام نبرده است، ولی به نشانه‌های پاره‌ای تمدن‌ها اشاره کرده است؛ مانند حکومت سلیمان (ص: ۳۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۶۳)، ساختن تندیس‌ها و تمثال‌های بدیع و قصر برای وی به دست جنیان (سبأ: ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۸)، صنعت ذوب فلزات ذوالقرنین (کهف: ۹۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۲۰-۲۱)، سدسازی قوم سبأ (سبأ: ۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۴۶) و ساختمان‌سازی قوم ثمود (اعراف: ۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۹)، برج نمرود (نحل: ۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۴۹-۵۵۰)، و قصر فرعون (زخرف: ۵۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۸۸-۸۹).

با توجه به توصیفات قرآن از محتوا و ابعاد برخی تمدن‌ها، می‌توان تمدن‌ها را به دو گونه الهی و غیرالهی تقسیم‌بندی کرد. بر این اساس می‌توان تمدنی را که بر مدار اراده الهی شکل گرفته، تمدن الهی و تمدنی را که صرفاً بر اساس اراده انسانی شکل گرفته، تمدن غیرالهی خواند. از مهم‌ترین

تمدن‌هایی که قرآن به آنها اشاره کرده، تمدن بابل، تمدن مصر، قوم ثمود، قوم عاد، سبأ: بنی اسرائیل و ذوالقرنین است (ر.ک: ادامه مقاله).

۱. تمدن بابل

شهر بابل یکی از مهم‌ترین شهرهای تمدن قدیم بوده است (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰) و این شهر را از عظیم‌ترین شهرهای دنیای قدیم شمرده‌اند (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱). مشهورترین بناهای شهر بابل برج معروف (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲، ص ۲۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۳) و قصر سلطنتی و باغ‌های معلق چندطبقه و رصدخانه بزرگ آن است (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۶۷؛ بلاغی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۵). بنا بر آیات قرآن، بابل همان شهری است که هاروت و ماروت در آن به مردم سحر می‌آموختند «وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ» (بقره: ۱۰۲؛ مقاله هاروت و ماروت). در این شهر، هم بناها و مجسمه‌های بزرگ و باشکوه و بوستان‌های معلق وجود داشت، هم مراکز فساد برپا بود (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۸۲؛ دورانت، ۱۳۸۱، ص ۱، ص ۲۸۸-۲۹۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۲).

حضرت ابراهیم علیه السلام از انبیای بزرگ الهی ساکن شهر بابل (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۸۴) و تبعه ملتی متمدن بود (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸). پس از کوشش بسیار برای هدایت ساکنان آن دیار، تنها لوط علیه السلام به او ایمان آورد و با هم از بابل هجرت کردند «فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي» (عنکبوت: ۲۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۴۸). برخی از مفسران معتقدند کوشش حضرت ابراهیم علیه السلام برای هدایت نمرد و ساکنان بابل نتیجه‌ای نداشت و آنان گرفتار انحطاط فکری و معنوی بودند، هرچند انحطاط آنان در معنویات، با رشد و پیشرفت‌های مادی‌شان منافاتی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۴).

بر اساس گزارش مفسران ذیل آیه ۲۶ سوره نمل «فَأَتَى اللَّهَ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوَقِهِمْ» نمرد کاخی بلند برای رویارویی با خدا ساخت، که خداوند آن را از اساس ویران کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۴۹-۵۵۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۹۷). منابع تاریخی

نیز به این ماجرا اشاره کرده‌اند (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲، ص ۲۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۶). عهد قدیم این‌گونه گزارش کرده که مردم بابل می‌خواستند برجی بسازند تا به آسمان برسند و برای خود جایگاهی بیابند و این برج مانع پراکندگی آنان شود، اما با تخریب برج، مردم در قسمت‌های مختلف زمین پراکنده شدند (ر.ک: کتاب مقدس، پیدایش، ج ۱۱، ص ۳-۹).

۲. تمدن مصر

تمدن مصر از کهن‌ترین تمدن‌هاست که شکوفایی آن از روی آثار برج‌مانده و اطلاعات به دست آمده قابل بررسی است (لوکاس، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۶). در تورات نیز از آبادانی و پیشرفت کشاورزی مصر در زمان‌های مختلف یاد شده است (ر.ک: کتاب مقدس، پیدایش، ج ۴۱، ص ۵-۴۹).

یکی از شواهد تاریخی بر وجود آبادانی و تمدن پیشرفته در مصر، شیوه خاص انبارداری در زمان حضرت یوسف علیه السلام است که به آن روش، گندم و دیگر مواد غذایی را تا مدتی طولانی نگه می‌داشتند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۴۸؛ ر.ک: ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۷). سوره یوسف با اشاره به آبادانی مصر، از خزانه‌های بزرگ این سرزمین یاد کرده است که حضرت یوسف علیه السلام از حاکم مصر مدیریت آن را طلب کرد «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۲۰۰). این منصب به یوسف علیه السلام واگذار شد و او در آن سرزمین به مکتب و مقام والا در اداره امور دست یافت «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ» (یوسف: ۵۶) و بر سرزمین مصر حکم فرما شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۷۲).

مصر در دوره فرعون و زمان حضرت موسی علیه السلام نیز بسیار آباد بود، چنان‌که حضرت موسی علیه السلام در مناجات با خداوند از اموال و امکانات زندگی دنیایی فرعون یاد کرده و او را دارای زینت و اموال فراوان دانسته است «وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (یونس: ۸۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۱۰۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۱۵). مصر آن دوران با زمین‌های حاصل‌خیز و گنجینه‌های فراوانش مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است، چنان‌که هنگام بیان شکست فرعونیان، به موهبت‌های فراوان این سرزمین از جمله باغ‌ها، چشمه‌ها و زراعت و قصرهای زیبا و گران‌قیمت تصریح کرده است «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ» (دخان: ۲۵-۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۴۰). این شکوه و آبادانی چنان جذاب بود که فرعون به سبب آن به

مردم فخر می‌فروخت و ملک مصر و آبادانی آن را نشانه حقانیت خود می‌خواند «وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لى مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرى مِن تَحْتى أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (زخرف، ۵۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۸۸). در تفسیر این آیه گفته‌اند قصر او به گونه‌ای ساخته شده بود که نهرها از زیر بنای بلند و مرتفع آن جریان داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۱۰). برخی نیز با توجه به نهربندی رود نیل معتقدند منظور این است که آن رود تحت فرمان فرعون بوده و نظام تقسیم آن بر آبادی‌ها طبق مقرراتی بوده است که او اراده می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۸۵). با این تفسیر می‌توان وجود کانال‌های آبیاری و آبادانی فراگیر در مصر را اثبات کرد.

شکوه و آبادانی مصر که برای فرعون قدرت به همراه آورده بود، موجب استکبار و گردن‌کشی او و اطرافیانش شد (یونس: ۷۵؛ مؤمنون: ۴۶) و سخن حضرت موسی علیه السلام در نهی از استکبار بر آنان تأثیر نداشت «وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنى آتیکُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبینٍ» (دخان: ۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۵-۹۶). اهل مصر که در دوره حضرت موسی علیه السلام از نعمت‌های بی‌شمار بهره‌مند بودند، به جای شکر نعمت، سرکشی کردند و از مسیر الهی دور شدند؛ از این‌رو حضرت موسی علیه السلام از خداوند خواست که دارایی و آبادانی آنها را نابود سازد و عذاب خود را بر آنان نازل کند «وَقَالَ مُوسى رَبَّنَا إِنَّكَ آتیتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زینةً وَ أَمْوَالاً فِى الْحَیَاةِ الدُّنْیَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبیلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَی أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَی قُلُوبِهِمْ» (یونس: ۸۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۱۰۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۱۶).

۳. تمدن ذوالقرنین و ایران

تمدن ذوالقرنین را باید در زمره تمدن‌های الهی برشمرد. بر اساس آیات قرآن، ذوالقرنین سلطنتی بسیار فراگیر داشت «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِى الْأَرْضِ» (کهف: ۸۴) و به سبب حکومت بر شرق و غرب دنیا، ذوالقرنین نامیده می‌شد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۸). او از دانش کاملی برخوردار بود «وَأَتینَاهُ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ سَبباً» (کهف: ۸۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۵۶) و از تأیید و هدایت الهی که نصیبش شده بود، سخن می‌گفت «قَالَ مَا مَكَّنِی فِیهِ رَبِّی خَیْرًا» (کهف: ۹۵) و آن را رحمتی از جانب پروردگار می‌شمرد «قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّی» (کهف: ۹۸).

قرآن دانش ذوالقرنین در زمینه صنعت ذوب فلزات و ساختن سدی محکم از آهن و مس را گزارش کرده است. ذوالقرنین به درخواست گروهی از مردم که در کوهستان زندگی می‌کردند و از

حملات قوم یاجوج و ماجوج در عذاب بودند، تصمیم گرفت سد محکمی در برابر آنها بسازد «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا» (کهف: ۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳۳). از آیات قرآن برمی آید که این گروه امکانات اقتصادی خوبی داشتند، اما از نظر صنعت ناتوان بودند؛ ازاین رو حاضر شدند هزینه طراحی و ساخت سد محکمی را به ذوالقرنین بپردازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳۴). به دستور ذوالقرنین، قطعات آهن در میان شکاف دو کوه چیده شد و وقتی میان دو کوه از آهن پوشیده شد، قطعات آهن را با آتش سرخ و گداخته کردند و در میان آنها مس مذاب ریختند «آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا» (کهف: ۹۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۲۰)؛ به این صورت، سد محکمی ایجاد شد که امکان هیچ گونه نفوذی در آن نبود «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف: ۹۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۴۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۲۲).

علامه طباطبائی بر اساس نظر و تحقیقات برخی دانشمندان همچون سر احمدخان هندی و مولانا ابوالکلام آزاد از محققان هند، معتقد است ذوالقرنین همان کورش پادشاه هخامنشی ایرانی است که در سالهای ۵۳۹ تا ۵۶۰ قبل از میلاد می زیسته و امپراطوری هخامنشی ایرانی را تأسیس کرده است و آنچه قرآن از وصف ذوالقرنین آورده، بر این پادشاه بزرگ قابل تطبیق است (۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۳۹۱-۳۹۲). با پذیرش این دیدگاه می توان گفت تمدن ایران نیز در قرآن انعکاس دارد. در آیات ابتدایی سوره روم نیز به صورت ضمنی به وجود تمدن ایران در برابر تمدن روم اشاره شده است «غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» (روم: ۲-۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۱۱). در منابع تاریخی نیز به وجود دو دولت بزرگ و نیرومند روم شرقی و ایران ساسانی تصریح شده که بر قسمت اعظم دنیای متمدن آن روز حکمرانی داشتند و از دیرباز برای تسلط و حکمرانی بر جهان با یکدیگر در ستیز بودند (پیرنیا، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۸۰۴؛ کریستن سن، ۱۳۷۹، ج ۲۹۴؛ صفا، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳).

۴. تمدن قوم عاد

قرآن از تمدن مهم دیگری در شهری به نام ارم یاد می کند که همانندش در میان شهرها نبوده

است «إِزَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ» (فجر: ۷-۸). مفسران شهر ارم را، که شهری آباد و بی‌نظیر و دارای قصرهای بلند و ستون‌های برافراشته بوده است، متعلق به قوم عاد دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۸۰). قوم عاد ثروت و دولت و تجمل و قصرهای عالی و تمدنی عظیم داشته‌اند (شعرانی، ۳، ص ۱۱۶۴) و قرآن در وصف آن فرموده است نظیر آن در بلاد جهان پدید نیامده است «الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ» (فجر: ۸؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۴۶). همچنین قرآن از ساختمان‌ها و کاخ‌های محکم و آبگیرهایی یاد کرده است که آنها درست کرده بودند «وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» (شعراء: ۱۲۹؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۱۰).

منابع تاریخی قوم عاد را افرادی بلندقامت و نیرومند معرفی کرده‌اند که ساختمان‌های محکم و بزرگ می‌ساختند و قومی مترقی و دارای شهرهای آباد و سرزمین‌های حاصلخیز بودند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۱-۱۲؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۱). آنان از دودمان حضرت نوح علیه السلام بودند که در تمدن پیشرفت چشمگیری کردند، ولی با دست کشیدن از شریعت نوح علیه السلام به بت پرستی رسیدند (عسکری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۵۰) و سرانجام عذاب شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۵۴). عذاب الهی به صورت تبدادی شدید که به گمان آنان ابرهای باران‌زا بود «قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ» (احقاف: ۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۵۵) هفت شب و هشت روز بی‌دری بر آنان مسلط شد و همه‌شان را از بین برد «سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ» (حاقة: ۷؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۳). همه قدرت و شوکت‌شان نتوانست به آنان کمکی کند «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ» (فجر: ۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۴۵۰-۴۵۱) و اگر بنا بود تمدن مادی انسان را از کیفر الهی برهاند، قوم عاد نباید عذاب می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۵۹).

حضرت هود علیه السلام پیامبر قوم عاد با اندک مؤمنانی که همراهش بودند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۴)، به منطقه دیگری رفتند (ابن قتیبہ دینوری، ۱۹۹۲، ص ۲۸). مفسران درباره این منطقه که حضرت هود علیه السلام و یارانش وارد آن شدند، دیدگاه‌های متفاوتی دارند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۴۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۳۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۸۶).

۵. تمدن قوم ثمود

ثمود از قدیم‌ترین اقوام بشر بودند و پیامبرشان حضرت صالح علیه السلام بود. آنان در سرزمین وادی القری (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۴) میان مدینه و شام زندگی می‌کردند (مقدسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۳۹) و تمدنی پیشرفته و زندگانی مرفه و ساختمان‌های عظیم و پیشرفته داشتند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۴؛ شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۶۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۳). قوم ثمود را در تمدن، عمران و قوت و شوکت جانشینان عاد دانسته‌اند (جمعی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۳۱؛ کاتب اصبهانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۱۴؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۵۰۳). قرآن نیز آنان را وارث تمدن و سرزمین عاد دانسته است «وَ اذْکُرُوا اِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأْنَاكُمْ فِی الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُیُوتًا» (اعراف: ۷۴).

ساختمان‌سازی قوم ثمود از جمله مظاهر تمدنی است که قرآن از آن یاد کرده است. آنان در دشت‌ها قصرهایی بنا می‌کردند و در کوه‌ها، خانه‌هایی مستحکم می‌تراشیدند «وَ بَوَّأْنَاكُمْ فِی الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُیُوتًا» (اعراف: ۷۴) و در ساختن خانه‌های مستحکم در دل کوه تبحر داشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۸۲). آیه ۸۲ سوره حجر نیز به ساختن این‌گونه خانه‌ها اشاره کرده است «وَ کَانُوا یَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُیُوتًا آمِنِینَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۲۹). مورخان، توانمندی قوم ثمود در خانه‌سازی و قصرسازی را دلیل بر پیشرفت آنان می‌دانند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۴؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۳). این مطلب نشان آن است که ایشان در منطقه‌ای کوهستانی می‌زیستند و تمدنی پیشرفته داشتند که به آنان امکان می‌داد در درون کوه‌ها، خانه‌های امن بسازند. ایشان صخره‌های عظیم را برش می‌دادند و از قطعه‌های بزرگ سنگ‌ها خانه و کاخ می‌ساختند «وَ ثَمُودَ الَّذِینَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ» (فجر: ۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۱۱۳-۱۱۴). به همین سبب، شهر آنان «حجر» و خودشان را «اصحاب حجر» گفته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۲۸) و این نام در قرآن نیز آمده است «وَ لَقَدْ کَذَّبَ اَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِینَ» (حجر: ۸۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۳۹؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۴۰).

کوشش‌های پیامبرشان، حضرت صالح علیه السلام برای هدایت و نجات‌شان فایده‌ای نداشت و او را تکذیب کردند و شتری را که معجزه وی بود، کشتند «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا * إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا * ... فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا» (شمس، ۱۱-۱۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۱۳۶-۱۳۷). خداوند نیز آنها را عذاب کرد و نابود ساخت «فَلَمَّ دَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (شمس، ۱۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۷۱۲؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۹۹).

۶. تمدن فلسطین (بنی اسرائیل)

فلسطین سرزمینی آباد (ر.ک: دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱) و مهد فرهنگ و تمدن بود که شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷). مفسران ذیل آیه ۲۶ سوره عنکبوت «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي» به هجرت و حضور حضرت ابراهیم علیه السلام در فلسطین اشاره کرده‌اند (فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۴۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۳۳۹). حضرت ابراهیم علیه السلام تحولی عظیم در فرهنگ مردم این سرزمین پدید آورد و در آنجا معبدی بنا کرد. حبرون، شهر حضرت ابراهیم علیه السلام اکنون در فلسطین اشغالی حدود ۳۲ کیلومتری جنوب غربی اورشلیم است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲-۱۳۵؛ قرچانلو، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۸).

حضرت داوود علیه السلام نیز که در آیات متعددی مقام والایش ستوده شده است، از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۳۶). خداوند زبور را بر وی نازل کرد «وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا» (نساء: ۱۶۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۱۵) و به او حکمت و حکومتی عظیم عطا کرد و آنچه می‌خواست به او تعلیم داد «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ» (بقره: ۲۵۱) که شامل دانش دین و امور مربوط به دنیا بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۲۱). قرآن کریم به حکومت مستحکم، دانش والا و داوری عادلانه او تصریح کرده است «وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْنَا الْخِطَابَ» (ص: ۲۰). حکمت در این آیه به علم و دانش و نیروی تدبیر امور کشور تفسیر شده است که از آن به معارف عالی تعبیر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۴۰). همچنین قرآن از صنعت زره‌سازی داوود علیه السلام یاد کرده است «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ» (انبیاء: ۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۹۲).

حکومت حضرت سلیمان علیه السلام نیز نمونه‌ای از ساختار تمدنی الهی و توسعه‌یافته بود (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶۰). عهد عتیق به کشتی‌سازی حضرت سلیمان علیه السلام در بندر عصیون جابر تصریح کرده است (کتاب مقدس، اول پادشاهان، ج ۹، ص ۲۶). توجه به ارزش و فضیلت قانون و ایجاد نظم میان ملت و تقسیم کشور به دوازده ولایت از اقدامات مهم سلیمان علیه السلام برای ایجاد تمدن بوده است (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۵۹). مورخان از سیطره حکومت حضرت سلیمان علیه السلام بر تمام سرزمین‌های حجاز، یمن، فلسطین و شام تا اطراف بلاد روم خبر داده‌اند (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۸).

در قرآن نیز آمده است که خداوند از فضل خود همه چیز به سلیمان داده بود «وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل: ۱۶) که شامل تمام نعمت‌های مادی و معنوی می‌شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۳۵۱). حکومت بی‌نظیر حضرت سلیمان علیه السلام و بهره‌مندی او از تمام امکانات دنیایی «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص: ۳۵-۳۶) و ساختن بناها و برج‌های مرتفع و تسلط بر جن و به‌دست آوردن گوهرهای دریا به وسیله آنان «وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ» (ص: ۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۰۵) از جمله این موارد بود.

شیوه حضرت سلیمان علیه السلام در احضار بلقیس و تخت او که کمتر از چشم‌به‌هم‌زدن طول کشید (نمل: ۴۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۴۸) نشان از قدرت شگفت‌آوری بود که خداوند در اختیار سلیمان علیه السلام گذاشته بود (بیومی مهران، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۳۰). بلقیس با دیدن صحن قصر حضرت سلیمان علیه السلام که از آبنگینه ساخته شده بود، شگفت‌زده شد و آن را از آب پنداشت و ساق پاهای خود را برهنه کرد تا از آب بگذرد «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ» (نمل: ۴۴؛ ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۸). ملکه سبأ با دیدن این آثار شگفت و با عظمت و قدرت و پیشرفت سلیمان علیه السلام، به خدای سبحان ایمان آورد «قَالَتْ رَبِّ إِنَّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل: ۴۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۱۰۶).

دوران حاکمیت حضرت سلیمان علیه السلام دوره پیشرفت عظیم اقتصادی و صنعتی بود. صنعت ذوب فلزات در زمان او رونق داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۰۹؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۲۷). خداوند دانش ذوب مس را به او آموخت «وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ» (سبأ: ۱۲)، چنان‌که پیش‌تر دانش نرم‌کردن آهن و زره‌بافی را به پدرش داوود علیه السلام آموخته بود (سبأ: ۱۰-۱۱؛ انبیاء: ۸۰). حفاری‌های باستان‌شناسان در منطقه عصیون جابر از رواج صنعت فلز در عصر داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام خبر می‌دهد، که شامل کوره‌های ذوب آهن و مس بوده و نظیر آن در عظمت، تا آن روزگار در این مناطق گزارش نشده است. در کنار این کوره‌ها اردوگاه‌های کارگران ذوب آهن و ذوب مس نیز برپا بوده است (بیومی مهران، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۸۰؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱).

سان دیدن حضرت سلیمان علیه السلام از اسب‌های چابک و تندرو که در قرآن به آن اشاره شده «إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ * فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص: ۳۱-۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۴۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۲۷) نیز یکی از نشانه‌های پیشرفت در حکومت حضرت سلیمان علیه السلام است. قرآن در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره سبأ: گوشه‌ای از عظمت سلیمان علیه السلام و امکانات وسیع وی را از جمله تسخیر باد و خدمت گروهی از جن به او در ساختن معبدها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا و دیگ‌های ثابت بازگو کرده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۴۸). مفسران با استفاده از آیات مربوط به حضرت سلیمان علیه السلام نتیجه گرفته‌اند که داشتن حکومت نیرومند با امکانات مادی فراوان و اقتصاد گسترده و تمدن درخشان هرگز منافاتی با مقامات معنوی و ارزش‌های الهی و انسانی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۹) و تمدن آن دوران را باید مصداقی از تمدن الهی شمرد. حکوت حضرت سلیمان علیه السلام نمونه‌ای از ساختار متمدن در میان حکومت‌های الهی است که با برخورداری حاکم آن از موهبت پیامبری، حکمت، علم و نیروهای در تسخیرش، به توسعه‌ای فراگیر دست یافت. داوود و سلیمان علیه السلام پیامبران بزرگی بودند که حکومتی عظیم تشکیل دادند و تمدنی درخشان پدید آوردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۷۰).

قرآن از آبادانی و تمدن منطقه بیت المقدس در دوره حضرت عیسی علیه السلام نیز یاد کرده است، و در سوره مؤمنون از استقرار حضرت عیسی و مادرش علیها السلام در سرزمینی امن و آباد خبر می دهد «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ» (مؤمنون: ۵۰). مفسران، این سرزمین را فلسطین دانسته اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۷۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۰) و در آیات دیگری نیز به ویژگی های آن اشاره شده است (انبیاء: ۸۱؛ قمری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۱۷، ص ۹۰). قرآن به برکت و آبادانی این سرزمین تصریح کرده است «إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» (اسراء: ۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۰۰؛ مغنیه، ۱۴۰۴، ص ۳۶۴) که این برکت به فراوانی نعمت، درختان، میوه ها، امنیت یا زندگی پیامبران و نزول فرشتگان در آنجا تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۱۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۷-۸؛ ← مقاله مسجد الاقصی).

۷. تمدن یمن و سبأ

در منطقه یمن و جنوب عربستان پیش از اسلام حکومت ها و تمدن هایی همچون معین، سبأ، قبتیان، اوسان، حضرموت و حمیر پدید آمده بود (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۲) که مشهورترین نیرومندترین و طولانی ترین آنها تمدن سبأ بوده است (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۵-۲۰۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۸-۵۱؛ بی آزار شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶). آنان دارای تمدنی عالی با شهرهای آباد و بناهای فاخر، تزیین شده، مجلل و مستحکم بودند (بلاغی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۹). قوم سبأ از جمله تمدن هایی است که قرآن از آنها یاد کرده است (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۶۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۶۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۲). سبأ منطقه ای در جنوب غربی جزیره العرب، و مرکز حکومت آن، شهر مأرب بوده است (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۳۴). مردم سبأ سدهای زیادی ساخته بودند که سد مأرب، مهم ترین آنها موجب آبادانی فراوان سرزمینشان شده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۷). این سد بسیار محکم (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۵)، از نشانه های تمدنی قوم سبأ بود. قرآن به سرزمین آباد و شهر پاک این قوم و نعمت های فراوان در آن تصریح کرده است «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ» (سبأ: ۱۵). باغ های به هم پیوسته آنان که

در دو طرف نهر به وجود آورده بودند، به قدری پربرکت بود که اگر کسی سبدی روی سر می گذاشت و از زیر درختان عبور می کرد، بعد از مدت کوتاهی سبد از میوه پر می شد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵۸؛ مقدسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۸).

از داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا نیز که در سوره نمل بیان شده است، بر می آید که این قوم دارای حکومت بوده و زنی بر آنها سلطنت داشته است «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ» (نمل: ۲۳). او حاکمی مقتدر بود و تمام آنچه را که برای سلطنتی با عظمت مورد نیاز بود، در اختیار داشت «وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل: ۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۸۶).

برخی شوکت و تشکیلات ملکه سبا را حتی از حکومت سلیمان علیه السلام مجلل تر دانسته اند، زیرا هدهد با آنکه تخت سلیمان را دیده بود، تخت ملکه سبا عرش عظیم خواند «وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل: ۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۴۳-۴۴۴). تمدن عظیم قوم سبا با درهم شکستن سد مأرب نابود شد (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۷؛ بی آزار شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۲-۳۳۳).

۸. تمدن روم

تمدن روم با الهام از دستاوردهای تمدن یونان در منطقه روم پدید آمد (ر.ک: لوکاس، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۳). قرآن از جنگ‌های میان روم (← مقاله روم) و ایران دو قدرت بزرگ و متمدن آن روزگار، یاد کرده و از پیروزی رومیان بر ایرانیان خبر داده است «غَلَبَتِ الرُّومُ* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» (روم: ۲-۳؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۵۵). از جمله شهرهای متمدن روم، انطاکیه است که یکی از قدیم‌ترین شهرهای شام بود و در گذشته از نظر ثروت، علم و تجارت (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹-۵۱) یکی از سه شهر بزرگ روم شمرده می شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۵۹). در سوره یس آمده است که مردم این شهر از پذیرش دعوت پیامبران الهی خودداری می کردند، تا اینکه مردی با ایمان از دورترین نقطه شهر با شتاب خود را رساند و از آنها خواست که از فرستادگان خدا پیروی کنند «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» (یس: ۲۰). منابع درباره نام این شهر و نام مردی که به مؤمن آل یاسین مشهور است، بسیار اختلاف دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۷۵)، اما بنا بر نظر مشهور نام این شهر انطاکیه است که در

آیه ۱۳ سوره یس از آن با عنوان قریه یاد شده است «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۵۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۵۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۴۰). به فرموده خداوند، اسراف و تعدی از حق علت نابودی مردم انطاکیه بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۵۵).

نقش پیامبران در تمدن‌ها

زندگی بشر، پیوسته همراه با پیامبران و هدایت آنان بوده است «وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴). در آموزه‌های پیامبران الهی تمام زیرساخت‌های شکل‌گیری تمدن وجود دارد. تمام عوامل مادی و معنوی تمدن بر پایه علم استوار است که خداوند آن را به حضرت آدم علیه السلام، اولین انسان و نخستین پیامبر عرضه کرد «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱) و هر آنچه را که انسان نمی‌دانست، به او آموخت «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵). انبیای الهی در شکل‌گیری و رشد علم و فرهنگ که اساس تمدن است، نقش بسزایی دارند «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۱۶۴؛ بقره: ۱۲۹؛ بقره: ۱۵۱؛ آل عمران: ۴۸؛ نساء: ۵۴؛ مائده: ۱۱۰؛ جمعه: ۲).

پیامبرانی همچون آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام، یوسف علیه السلام، داوود علیه السلام، سلیمان علیه السلام، ادریس علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله موهبتی مهم و زیربنایی به نام وحی و علم الهی را به بشر ارزانی داشتند و در ترویج انواع علوم در عصر خویش کوشیدند و تعلیم از ابزارهای کاربردی آنان بود. بر همین اساس، ادریس نبی علیه السلام را معلم اول نامیده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۷۰-۲۸۴؛ عمادزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴، ۱۹۰-۱۹۱) و قرآن پیامبران را معلم انسان‌ها معرفی کرده است «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يَزَكِّيكُمْ وَ يَعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱).

پیامبران آنچه را مردم نمی‌دانستند با ذکر دلیل عقلی به ایشان آموزش دادند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۰). از عبارت «وَ يَعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» فهمیده می‌شود که اگر پیامبران نبودند، بسیاری از علوم برای همیشه از دسترس انسان خارج می‌ماند. بر این اساس با پیامبران فقط رهبر اخلاقی و اجتماعی نبودند، بلکه پیشوایان علمی نیز بودند که بدون رهبری آنان علوم انسانی رشد

نمی‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۱۳).

بنابراین پیامبران الهی تا آنجا که زمینه فراهم بود، بی‌وقفه فعالیت می‌کردند، و دستاوردهای آنان در زمینه تمدن‌سازی برای بشر انکارناپذیر است (حجازی، ۱۳۷۸، ص ۹۹) و ایشان پیشگامان تمدن‌سازی بودند (توین‌بی، ۱۳۵۳، ص ۲۲، ۲۰۷) و نظم را که از ارکان تمدن است، به ارمغان آوردند (حجازی، ۱۳۷۸، ص ۷۰).

رسولان الهی با کتاب و میزان (شریعت) در میان مردم عدالت را برپا می‌داشتند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (حدید: ۲۵). اهداف بعثت انبیا عرصه‌های فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد، و آنان بی‌تردید در تشکیل و تنظیم روابط جوامع نقش دارند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۷۱-۳۷۳).

قرآن به پیدایش پاره‌ای از صنعت‌ها با سرچشمه و حیانی در تمدن‌های پیشین اشاره کرده است. از باب نمونه به حضرت نوح علیه السلام وحی می‌شود که کشتی را زیر نظر خداوند و بر اساس وحی الهی بسازد «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا» (مؤمنون: ۲۷). معنای ساختن کشتی با وحی این است که نوح علیه السلام با تعلیم‌ها و دستورهای خداوند به تدریج آن را ساخته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۹).

در حکومت پیامبرانی همچون داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام نیز علم و دانش نقش والایی داشت «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا» (نمل: ۱۵). آنان تمام دانشی را که برای تشکیل حکومت فراگیر و نیرومندان لازم بود، در اختیار داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶).

حضرت داوود علیه السلام مأمور شد با آهن سرد و سخت که به امر الهی در دستش چون موم نرم شده بود، صنعت زره‌بافی را بنیان گذارد و در این کار نظم هماهنگ بندها و حلقه‌های زره را رعایت کند «وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سبأ: ۱۰-۱۱؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۹). دستور خداوند به داوود علیه السلام را سرمشقی برای همه صنعتگران در محکم‌کاری و دقت در کیفیت و کمیت مصنوعات دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۲).

حضرت سلیمان علیه السلام نیز توانایی‌های فراوان و شگرفی داشت، چنان‌که باد در اختیار او بود،

چشمه‌ای از مس مذاب برایش جریان داشت و جنبان برای او معبد، ظروف مورد نیاز و وسایل زینتی می‌ساختند «و لِسُلَيْمَانَ الرَّيْحُ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَواحُها شَهْرٌ وَ أَسْلَمنا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَزْغُ مِنْهُمْ عَنَ أَمْرِنَا نُدْفِقْهُ مِنْ عَذابِ السَّعِيرِ * يَعْمَلُونَ لَهُ ما يَشَاءُ مِنْ مَحارِبٍ وَ تَمائيلَ وَ جِفاٍ» (سبأ: ۱۲-۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۶۳) و او از این امکانات برای رفاه مردم و عمران و آبادانی و تأمین امنیت سرزمینش بهره می‌گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۸). بنابراین در حکومت حضرت سلیمان عليه السلام، با الهام‌های غیبی، هم در صنعت معماری پیشرفت‌های بسیاری پدید آمد و بناهای باشکوه و مستحکم ساخته شد، هم در عرصه هنرهای نقاشی و مجسمه‌سازی و صنعت فلزکاری تحولات شگرفی صورت گرفت.

از جمله زیرساخت‌های مهم و عناصر اصلی پیدایش تمدن، کشاورزی است که پیامبران در پیدایش و رشد آن نقشی اساسی داشتند، چنان‌که خداوند پس از هبوط حضرت آدم عليه السلام به او دستور می‌دهد که کشاورزی کند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۶). همچنین شغل فرزندان آدم کشاورزی و دامداری بوده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۸۳؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳). یوسف عليه السلام نیز با مدیریت نظام کشاورزی و ابداع نظام انبارداری برای ذخیره محصولات کشاورزی (ر.ک: ابن اثیر جزری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۷)، توانست در دوره قحطی بزرگ و کمبود مواد غذایی مردم را نجات دهد. آیاتی از قرآن (یوسف: ۴۷-۴۹) به راهکارهای حضرت یوسف عليه السلام تصریح می‌کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۱۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۶۴).

همچنین از آیات قرآن استفاده می‌شود که حضرت موسی عليه السلام و برادرش برای بازسازی جامعه بنی اسرائیل در مصر نقشه خاصی برای ساخت خانه طراحی و اجرا کردند تا ایشان را کنار هم جمع کنند «وَ أَوْحينا إِلى مُوسى وَ أَخيه أَنْ تَبَوِّءا لِقَوْمِكُما بِمِصرَ بُيوتاً وَ اجْعَلُوا بُيوتَكُمْ قِبْلَةً» (یونس: ۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۷۰).

منابع و مأخذ

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد طیب، الرياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. _____، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۹. ابن قتیبة دینوری، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق: ثروت عکاشة، قاهرة: الهيئة المصرية، ۱۹۹۲م.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: ناصح یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۲. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۳. اسلامی فرد، زهرا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ش.
۱۴. برنال، جان، علم در تاریخ، ترجمه: حسین اسدپور پیرانفر، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
۱۵. بروجردی، سید محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ق.
۱۶. بلاغی، صدرالدین، قصص قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱ش.
۱۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۸. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵ش.
۱۹. بیومی مهران، محمد، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه: سید محمد راستگو، مسعود انصاری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
۲۰. _____، دراسات تاریخیة من القرآن الکریم، بیروت: دارالنهضة العربیة، ۱۴۰۸ق.
۲۱. پهلوان، چنگیز، فرهنگ و تمدن، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸ش.

۲۲. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵ش.
۲۳. تفتازانی، مسعودبن عمر، شرح المقاصد فی علم الکلام، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۲۴. توین بی، آرنولد، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه: ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳ش.
۲۵. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالفتاح ابوسنة و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۶. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبيان فی تفسیر القرآن، تحقیق: ابن عاشور، ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۲۷. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳ش.
۲۸. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق: قمحوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۲۹. جمعی، محمد بن سلام، طبقات فحول الشعراء، جده: دارالمدنی، ۱۴۰۰ق.
۳۰. حجازی، فخرالدین، نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۷۸ش.
۳۱. خاکرند، شکرالله، سیر تمدن اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.
۳۲. خواجه نصیر طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات علمیة اسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۳۳. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه: ابوطالب صارمی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
۳۴. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۳۵. ریوز، جولی، فرهنگ و روابط بین الملل، ترجمه: محسن بیات، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷ش.
۳۶. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۰ش.
۳۷. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳ش.
۳۸. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۳۹. سوروکین، الکساندر، نظریه های جامعه شناسی و فلسفه های نوین تاریخ، ترجمه: اسدالله نوروزی، تهران: انتشارات حق شناس، ۱۳۷۷ش.
۴۰. سیوطی، جلال الدین، الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۱. شعرانی، ابوالحسن، پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، تحقیق: سید محمد رضا غیائی کرمانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۴۲. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۴۳. شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۴۴. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۸ ش.
۴۵. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۴۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ ش.
۴۸. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۴۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۵۰. _____، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۲. عاشور، سعید عبدالفتاح و دیگران، دراسات فی تاریخ الحضارة الاسلامیة العربیة، کویت: منشورات ذات السلاسل، ۱۴۰۶ ق.
۵۳. عسکری، سید مرتضی، عقاید اسلام در قرآن، ترجمه: عطا محمد سردارنیا، تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۵۴. عمادزاده، حسین، تاریخ انبیا، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۶ ش.
۵۵. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۰ ق.
۵۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵۷. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق: نجاتی و دیگران، مصر: دارالمصریة، بی تا.
۵۸. قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲ ش.
۵۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۶۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۶۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، زبدة التفاسیر، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۳ ق.
۶۲. کتاب مقدس، ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۶۳. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: غلامرضا یاسمی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۹ ش.
۶۴. کاتب اصفهانی، محمد بن محمد، خریده القصر و جریده العصر، بغداد: المجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۵ ق.
۶۵. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، گوهر مراد، تحقیق: زین العابدین قربانی، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۳ ش.
۶۶. لوکاس، هنری استیون، تاریخ تمدن، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲ ش.
۶۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶۸. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.

۶۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۷۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۷۱. مغنیه، محمدجواد، التفسیر المبین، تهران: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۷۳. مقدسی، مطهرین طاهر، البدء والتاریخ، تحقیق: پورسعید، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۷۵. ملک محمدی، مهدی، تمدن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۷۶. والرشائین، ایمانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه: پیروز ایزدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴ ش.
۷۷. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴ ش.
۷۸. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳ ش.
۷۹. هانتینگتون، ساموئل پی، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه: محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۸۰. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق.
۸۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۸۲. یوسفی غروی، محمدهادی، موسوعة التاریخ الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
83. Böwering, Gerhard, Chronology and The Qur'ān, Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols, Leiden: Brill, 2001-2006.
84. Chande, Abdin, Historical Events and The Qur'an, in The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.
85. Gökkir, Bilal, Origins, Organizations, and Influences On The Qur'an, in The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.
86. Neuwirth, Angelika, Myths and Legends in the Qur'ān, Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols, Leiden: Brill, 2001-2006.
87. Rosenthal, Franz, History and The Qur'ān, Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. McAuliffe, Jane Dammen, 5 Vols. Leiden: Brill, 2001-2006.